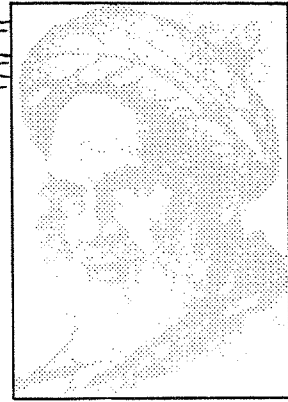
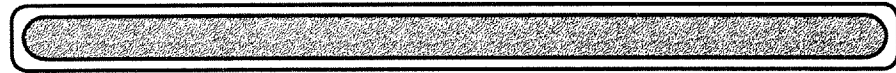


برائت از مشرکین

از دیدگاه امام خمینی - قدس سره -



علیرضا اسماعیل آبادی



آری! زائر بیت الله الحرام پس از طی راهها، با پا و سر برهنه، می رود تا ابراهیم را خوشحال کند. می رود تا در میهمانی خدا شرکت جوید، تا با آب زمزم گرد و غبار سفر از چهره بزداید و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نماید و با توانی بیشتر مسؤولیت پذیر گردد و در سیر و صیورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل بستگی به دنیا را از تن به در آورد.^۳

زائر بیت الله می رود تا دلش را که خانه خدا و امانت اوست؛ به او بسپرد و از شرک و زینغ و زنگار تطهیر کند.^۴

او می رود تا به ندای ابراهیم و محمد

همه ساله با فریاد «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا لِيَلْعَبُوا بِنَجْوَى اللَّهِ وَاتْلُوا حَتَّى يَذُكَّرُوا يَوْمَئِذٍ»^۱ میهمانانی گرانقدر از گوشه گوشه دنیا و از هر فج عمیق، در کنگره ای که به دعوت ابراهیم و محمد برپا می شود اجتماع می کنند؛ اینان کسانی هستند که از همه هستی و مال خویش برائت جسته، قدم در راهی گذاشته اند که انتها و عاقبتش رسیدن به توحید ناب است.

در واقع اینان آنگونه که پروردگارشان فرموده؛ مال و فرزندان (المال و البنون) را زینت زندگی دنیوی یافته اند^۲ و از آن برائت جسته، با پشت کردن به همه مظاهر دنیوی، با دستی تهی به وعده گاه یار می روند.

الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ...»^۸

پس بدین ترتیب حج باید دارای روح و تحرک باشد و در حج باید حاجی برائت خویش را از مشرکین و بت‌های نوین اعلام نماید که: «حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست.»^۹

حال که دانسته شد حج بی‌برائت حج نیست، این پرسش وجود دارد که: «فلسفه حج چیست و آیا سیاست نیز در این فلسفه می‌گنجد؟

حج گرچه عبادت است و ذکر و دعا و استغفار؛ اما عبادت و ذکر و استغفاری است در جهت ایجاد حیات طیبه امت اسلامی و نجات آن از زنجیرها و غل‌های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور، و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالت از آن.^{۱۰}

در واقع حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام، در تمامی زوایای زندگی را باید جستجو کرد.^{۱۱} به دیگر سخن، حج کانون معارف اسلام و بیان‌کننده سیاست کلی آن برای اداره زندگی انسان است.^{۱۲}

بنابراین، باید گفت: «یکی از

پاسخ دهد و از هرچه شیطان و شرک و کفر است برائت جوید و شعار ابراهیم را تکرار نماید که: «إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ»^۵

زائر بیت عتیق می‌رود تا برگرد محور توحید و با برائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت‌ها، ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد پیوندد و ید واحده گردد.

کوتاه سخن آنکه حاجی باید برگرد محور توحید بگردد و از تمام مشرکین و بت‌ها و استکبار برائت جوید و زیر بار هیچ‌کس جز خدا نرود و نشان دهد که از مبارزه خسته نشده است.

حج عرصه نمایش و آیین سنن است استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.^۶

حاجی همچنین باید بداند که ابوجهل و ابولهب و ابوسفیان در کمین نشسته‌اند و با خود می‌گویند: مگر هنوز لات و هبل در کعبه‌اند؟ آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریبی نو.^۷

بت هرآن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده افراد بشر را در اختیار بگیرد. حال چه سنگ و چوب و چه قدرت‌های شیطانی سلطه‌گر و جبار و چه عصبیت‌های جاهلی ناحق که: «فَمَاذَا بَعْدَ

پس حاجی باید همانگونه که برای رسیدن به توحید ناب از زینت حیات دنیا گذشته و برائت جسته است، باید از هر شرک و کفری هم برائت جوید و آن را هم اعلام نماید.

برائت در قرآن

برائت تعبیری قرآنی است به مفهوم بیزاری و اجتناب از مشرکین و دشمنان مسلمانان و قطع پیوند با آنها. در قرآن گذشته از نکوهش و مذمت شرک و مشرکان، بر ضرورت گسستن پیوند از مشرکان و توصیف جدی به مقابله با آنان در آیات مختلف^{۱۶} تصریح شده و آیاتی در برائت انبیا از مشرکان و اعلام بیزاری آنها از شرک در سوره‌های^{۱۷} متعدد آمده است.

برائت در لغت

راغب در «مفردات» گوید:

اصل واژه «برء» و «براء» و «تَبْرِي» به معنای کناره‌گیری و بیزاری از هر چیزی است که مجاورت با آن مورد کراهت باشد. لذا گفته می‌شود «بَرْتُ مِنْ الْمَرَضِ»؛ «از بیماری بهبودی یافتم» و «بَرْتُ مِنْ فُلَانٍ»؛ «از دست فلانی

فلسفه‌های بزرگ حج - قضیه - بُعد سیاسی اوست که دست‌های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بعد در کار هستند و تبلیغات دامنه‌دار آنها مع‌الأسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاریشان یک عبادت خشک، بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست، بعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.^{۱۳} پس به راستی، اگر این کنگره عظیم دارای چنین فلسفه‌ای نبود یا اصلاً فلسفه‌ای نداشت، دیگر لازم نبود که مردم از هر گوشه دنیا و از هر فج عمیق در آن اجتماع کنند که همانگونه که این کنگره سراپا سیاست به دعوت ابراهیم و محمد برپا می‌شود پس در ادامه بت‌شکنی‌های ابراهیم و محمد است و دارای فلسفه‌ای سیاسی است.^{۱۴}

و بالأخره ما که بر حج ابراهیمی و محمدی تأکید نموده، برای احیای آن تلاش می‌کنیم باید بدانیم که حج ابراهیمی و محمدی و حج علوی و حسینی، آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران همراه باشد.^{۱۵}

برائت در اصطلاح

برائت به این معنا، با معنای لغوی آن بی‌تناسب نیست و در واقع، مفهوم برائت، از بی‌زاری که یک امر قلبی و عاطفی باشد، فراتر رفته و مستلزم کناره‌گیری، منزوی ساختن و طرد عمل مشرکان و توطئه‌گران است و همانگونه که مفسران گفته‌اند: به معنای رفع امان و سلب مصونیت و عدم تعهد در برابر مشرکان و حتی جنگ با آنان می‌باشد، چه، آنان آغازگر توطئه بوده و نقض عهد کرده و مهلت و مدت پیمانشان به پایان رسیده است.^{۲۱}

مفهوم برائت از نظر امام

برائت از نظر امام یعنی: توطئه‌های جهانخواران راست و چپ، به‌ویژه آمریکای چپ‌اولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش جهانیان رساندن و یا با برشماری جنایات این جانیان، از جهانیان استمداد جستن و برای قطع ایادی آنان و اصلاح حال مسلمانان به خدا ملتجی شدن.^{۲۲}

پیشینه تاریخی برائت

الف) در امت‌های پیشین

به‌گواهی قرآن، برائت از مشرکان در امت‌های پیشین نیز بوده و پیامبران آن

نجات یافتند» و «تَبَرَّاتُ أَوْ أُبْرَأَتْهُ مِنْ كَذَا وَ بَرَّئْتُهُ»؛ «از فلان عمل بی‌زاری جستم و یا فلانی را از آن عمل بریء ساختم». و در مفرد گفته می‌شود: «رَجُلٌ بَرِيءٌ» و در جمع گفته می‌شود: «قَوْمٌ بَرَاءٌ» و یا «قوم بریئون».

و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ»^{۱۸} در ترجمه‌های فارسی «برائت» به واژه «بی‌زاری» تعبیر شده است و شاید این واژه به‌خاطر بُعد احساسی و عاطفی آن، برای بیان معنا و مفهوم اصل برائت رسا و کافی نباشد.

برائت به معنای دوری جستن و کناره‌گیری کردن و منزوی ساختن دشمن است و این در زمان صلح، به‌منظور بازداشتن دشمن از سوء استفاده از روابط صلح‌آمیز، برضد اسلام و امت اسلامی، به شیوه‌ای مناسب و با مقتضای زمان، انجام می‌گیرد.^{۱۹} و بالأخره برائت از مشرکین، تعبیری است قرآنی به مفهوم بی‌زاری و اجتناب از مشرکین و دشمنان مسلمانان و قطع پیوند با آنها. این تعریف، توسعاً، به فعالیت‌هایی که در بُعد سیاسی حجج به صورت اجتماعی انجام می‌گیرد نیز اطلاق می‌شود.^{۲۰}

امت‌ها اعلام برائت نموده‌اند، که نمونه بارز اعلام برائت از مشرکان در امت‌های پیشین، طبق فرموده قرآن، آنجا است که می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ...»^{۲۳}

حضرت ابراهیم علیه السلام و یارانش بودند که قاطعانه برائت خود را از مشرکان و بت‌های آنها اعلام داشتند.^{۲۴}

ب) در دوره اسلامی

گرچه اعلام برائت از مشرکان، در امت‌های پیشین بوده است ولی با ظهور اسلام و بعثت پیامبر، این امر در دین اسلام به اوج خود رسید؛ به طوری که اعلان عمومی «برائت از مشرکین» و احکام الحاقی آن، در تاریخ اسلام برای نخستین بار، پس از نقض عهد مشرکینی بود که پس از فتح مکه (۸ ه.ق.) با پیامبر اسلام پیمان عدم تهاجم و دشمنی بسته بودند. در ابلاغ «برائت از مشرکین»، حضرت علی علیه السلام، در بعد از ظهر دهم ذیحجه در منا، با شمشیر برهنه، به خطبه ایستاد و پس از تلاوت آیات نخست سوره برائت، چهار حکم الحاقی رسول خدا را ابلاغ کرد.^{۲۵}

در هر حال، اعلام برائت یکی از وقایع مهم تاریخ عصر رسالت، در اواخر عمر پیامبر بود که بدین وسیله دولت اسلامی تثبیت شد و دعوت جهانی اسلام نیز آغاز گردید و پیام‌ها و پیک‌های آن حضرت به سران دول و ملل گسیل شدند. پس، بدین ترتیب در دوره پس از اسلام، بنیانگذار اعلام برائت از مشرکین شخص رسول خداست.^{۲۶}

آری! پیامبر صلی الله علیه و آله با این عمل خود، راهی را به مسلمانان نشان دادند تا روی پای خود بایستند و سلطه کافران را بر خود نفی کنند، همانگونه که قرآن نفی کرده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^{۲۷}

زمان اعلان برائت از مشرکین

از آنجایی که نخستین اعلام برائت توسط پیامبر نسبت به مشرکان، در ایام حج انجام گرفت و از آنجایی که سنت و سیره نبوی جاوید است؛ لذا این سنت نبوی در ایام حج به اجرا در می‌آید. گرچه اعلام برائت از مشرکین مقطعی و موسمی نبوده که هر مسلمانی باید همواره در سراسر حیات خویش از مشرکان برائت جوید و تنفر خویش را نسبت به آنان اظهار کند. با

«أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» و مفاد آیات تفصیلی بعدی
سوره توبه درباره مشرکان (۲۸-۱۱)،
ذمّیان مشرک و کافر (۳۲-۲۹)،
زنان و دوزان (۳۵-۳۴) و منافقان
(۵۷-۵۰) اشاره به آن دارد که این اعلامیه
را نباید مقابله مقطعی رسول الله صلی الله علیه و آله با
رفتار مشرکان پیمان شکن دانست، بلکه
این مضمون و نحوه ابلاغ، بیان کننده یک
اصل همیشگی و جاودانه است که خداوند
آن را مقرر کرده تاروش سیاسی اسلام و
مسلمانان را در مقابل مخالفان توحید و
ناقضان حقوق انسانی و مشروع
مسلمانان، روشن سازد.^{۲۹}

از نظر امام خمینی علیه السلام فریاد برائت از
مشرکان، مخصوص به زمانی خاص نیست
و در هر سال باید تکرار شود. امام اعلام
برائت را خاطره مهم ترین و بزرگترین
حرکت سیاسی پیامبر می دانند که «کهنه
شدنی» نیست و حتی آن را منحصر به ایام
حج و مراسم حج نمی دانند:

«... سنت پیامبر و اعلام برائت، کهنه شدنی
نیست و نه تنها اعلام برائت به ایام و
مراسم حج منحصر نمی شود که باید
مسلمانان، فضای سراسر عالم را از
محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و
بغض های عملی نسبت به دشمنان خدا

این همه، لازم است به این پرسش پاسخ داد:
چرا برائت در زمان حج مورد تأکید بوده
و هست؟

به گفته نویسنده کتاب «در راه برپایی
حج ابراهیمی» اولاً:

مناسب ترین موقعیت از نظر
وضعیت زمانی و مکانی، برای رسیدن به
اهداف و نتایج پر بار اعلام برائت، سرزمین
مقدس حرم و ایام نورانی حج است و
اولویت سرزمین حرم بدان جهت است که
نخستین اعلام برائت توسط پیامبر نسبت
به مشرکان، به منظور پاکسازی دو حرم
شریف از لوث مشرکان، در حرم انجام
گرفت و مناسبت برائت با ایام حج نیز بدان
جهت از اولویت زمانی برخوردار است که
حج مظهر تجلی وحدت و حضور افشار
زبده و کارآمد مسلمانان از اقصا نقاط جهان
و بالأخره ایام نمایش باشکوه اسلام
می باشد.^{۲۸}

و ثانیاً: تأکید آیه ۳ از سوره توبه؛
برائت را به خصوص در ایام حج و سرزمین
حرم مورد تأکید قرار داده است.

در دانشنامه جهان اسلام نیز
آمده است:

«مضمون «اذان برائت» - با توجه به تعبیر

اصل «تولّی و تبرّی» است:

«هدف نهایی ساختن بیت‌الله، رسیدن به توحید است و نیل به توحید ناب، بدون تبرّی تام از هر مشرک و ملحد میسر نخواهد بود، لذا اعلام این هدف نهایی به صورت اعلام تبرّی خدا و رسول اکرم از مشرکان متبلور شده است و تا انسان در روی زمین زندگی می‌کند وظیفه حج و زیارت به عهده اوست و تا مشرک در جهان هست اعلام تبرّی از او نیز جزو مهمترین وظیفه حج به شمار می‌رود و هیچ‌جایی برای تبرّی از ملحدان مناسب‌تر از حرم خدا نخواهد بود.»^{۳۳}

یکی دیگر از محققان در این زمینه می‌نویسد: «برائت از ملحدان و مشرکان، یکی از دو رکن اساسی توحید است. نظری به اصول بنیادین ادیان توحیدی نشان می‌دهد که «اعلام برائت از مشرکان» جزء لاینفک توحید است. توحید، به عنوان اولین اصل و پایه در مکتب انبیای الهی، مرکب از دو جزء، «نفی غیر خدا» و «اثبات خدای سبحان» می‌باشد. (مفاد کریمه لاله الا الله)... حقیقت آن است که این جوهره یکسانی در مکتب همه پیامبران داشته است، چیزی جز «ابراز محبت و ارادت» به حق تعالی و جبهه حق و «اعلان

لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فراندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام غفلت نکنند...»^{۳۰}

و باز می‌فرمایند: «فریاد برائت از مشرکان مخصوص به زمان خاص نیست. این دستوری است جاوید، در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده‌اند. و «قیام ناس» مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الأبد.»^{۳۱}

آری! اگرچه مشرکان حجاز منقرض شده‌اند و بت‌هایشان هم شکسته شد ولی بت‌های بزرگی پیدا شده‌اند که باید برای شکستن آنها مجهز شد؛ «مجهز شوید از مرکز بت‌شکنی برای شکستن بت‌های بزرگ که به صورت قدرت‌های شیطانی و چپاولگران آدمخوار درآمده‌اند.»^{۳۲}

خاستگاه اصلی برائت

برخی از مفسران هدف از اعلام برائت را «رسیدن به توحید ناب» می‌دانند و از نظر آنان خاستگاه اصلی برائت همان

شیوه‌های اعلام برائت از مشرکین

امام خمینی علیه السلام در مورد شیوه‌های اعلان برائت از مشرکین معتقدند که هر عصر و زمانی شیوه‌های خاص خود را می‌طلبد و در واقع چنین نیست که یک شیوه در هر عصری کاربرد داشته باشد بلکه با توجه به شرایط و اوضاع و احوال زمانی، باید شیوه خاص آن شرایط را به کار برد.

«اعلان برائت در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در هر عصری، همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی، دینی و سیاسی ملت‌ها را باز یچه هوس‌ها و شهوت‌های خود نموده‌اند، چه باید کرد؟ آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القاء و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه ابراهیم در شکستن بت‌ها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند.»^{۳۶}

بغض و انزجار و برائت از باطل و دشمنان حق نیست. کلمات پیشوایان دینی ما مملو از این واقعیت است که سنت اعلان برائت از مشرکان همچنان که تاریخچه‌ای به درازای عمر ادیان توحیدی دارد، یکی از ارکان «توحید و یکتاپرستی» است.»^{۳۴}

خاستگاه اصلی دیدگاه امام خمینی علیه السلام در برائت از مشرکان، همان «اصل تولی و تبری» است و ایشان هم اعلام برائت از مشرکان را از «ارکان توحیدی» می‌دانند و می‌فرمایند: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن هرچه تجاوز و ستم استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» بت‌الهی‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر در «وَأَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» زنده بماند و تکرار شود؛ چرا که سنت پیامبر و اعلان برائت کهنه شدنی نیست.»^{۳۵}

امام با نفی این پرسش و اعلان برائت در حج به عنوان «مرحله اول مبارزه» بیان می‌دارند:

«اعلام برائت، به شعار خلاصه نمی‌شود بلکه همانطور که حاجی باید در حج هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرد و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را و همانطور که امت‌ها باید از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوْضُؤْ زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند، همانگونه هم «اعلان برائت در حج، میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌هاست و به شعار خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود... خلاصه، اعلام برائت مرحله اول مبارزه و ارائه آن، مراحل دیگر و وظایف ماست.»^{۳۷}

بیان شیوه‌ها

۱- برپایی تظاهرات و راهپیمایی

امام راحل رحمته‌الله بر برپایی مراسم اعلام

برائت از مشرکین به صورت تظاهرات و راهپیمایی تأکید نموده و در این باره فرموده‌اند: «اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت «تظاهرات و راهپیمایی» باصلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود.»^{۳۸}

و در ادامه، خطر جهانخواران و دشمنان ملت‌ها را متذکر می‌شوند که برای خلع سلاح مسلمانان؛ از جمله سلاح‌های کار آمد برائت از مشرکین و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به هر کاری دست می‌زنند و از جمله اقدامات آنان این است که این تفکر را القا کنند که حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف و رزم!

«مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزش‌های الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند.»^{۳۹}

به نظر می‌رسد که امام برائت از مشرکین را به عنوان نوعی «دفاع» مطرح نموده‌اند و به همین جهت در شرکت همگانی در این دفاع و برگزاری آن به شکل



راهپیمایی و تظاهرات تأکید دارند.

گردد.

۲- شرکت همگانی و حضور همهٔ حاجیان

حضرت امام شرکت همگان در مراسم برائت را «وظیفه» زائران خانهٔ خدا می‌دانند و بر آن تأکید دارند و همهٔ حجاج را، چه ایرانی و چه غیر ایرانی، به شرکت در تمامی مراسم اعلام برائت دعوت می‌نمایند و در عین حال از تفرقه افکنی، دشمنان بر حذر می‌دارند:

«در راهپیمایی‌ها، باید فریاد برائت از مشرکان و ستمکاران به‌طور کوبنده و با شرکت همگانی باشد که صدای مظلومیت مسلمانان و ملت‌های تحت سلطهٔ ابرجناایتکاران را به گوش جهانیان برساند و خفتگان را بیدار و ساکتان را در مقابل جباران هشدار و ناهیان از معروف و آمران به منکر را به جای خود بنشانند.»^{۴۱}

شیوهٔ فریاد و تظاهر به عنوان وسیله‌ای هشدار دهنده برای خودی و دشمن، خود نوعی تاکتیک تبلیغی است که اسلام در دعوت و بیان مقاصد و اهداف خود بارها از آن بهره برده است.^{۴۱} اینجاست که امام علیه السلام همواره بر این نکته تأکید می‌ورزید که:

«فریاد برائت باید کوبنده و رسا باشد تا صدای مظلومیت ملت‌های تحت سلطهٔ ابرجناایتکاران را به گوش جهانیان برساند و خفتگان را بیدار و ساکتان در مقابل جباران راهشیار سازد. و در واقع با فریاد برائت از مشرکان و اعلام آن وظیفهٔ الهی و قرآنی، فرد، زائر خانهٔ خداست که رسول اکرم به وسیلهٔ مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام در حج اکبر آن را اجرا فرمودند.»^{۴۲}

۴- رعایت نظم و آرامش در اجتماع برائت

مهمترین نکته در برپایی مراسم برائت، اهمیت دادن به نظم و آرامش است؛ چراکه اگر نظم و آرامش رعایت نشود، نه تنها اهداف برائت تأمین نمی‌شود، حتی ممکن است که اثر منفی هم داشته باشد؛ به عبارت دیگر در صورت نبودن نظم، امکان

۳- اعلام برائت با فریاد بلند و کوبنده

اعلام برائت باید همراه با فریاد و نمایش قدرتی باشد که نشانگر صلابت، قدرت و اعتماد به نفس مسلمانان و تهدید مشرکان توطئه‌گر و متجاوز و بالأخره امید بخش‌رهایی محرومان و مستضعفان جهان

نفوذ عمال دشمنان در صفوف زائران وجود دارد که در نتیجه تحریکاتشان، موجبات بدنامی زائران و ایجاد تفرقه و اختلاف فراهم می‌آید. امام خمینی علیه السلام همواره بر این نکته تأکید خاصی داشته‌اند و به عنوان یکی از نکات مهم به زائران بیت‌الله الحرام متذکر شده‌اند: «در راهپیمایی‌ها لازم است در وقت، کیفیت شعار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسلامی را به طور شایسته مراعات نمایید و به هیچ‌کس اجازه ندهید که سرخود و بدون دستور شعار دهد، که ممکن است عمال دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی که برای تفرقه افکندن و بدنام نمودن شما آمده باشند، در بین شما نفوذ کنند و با تحریکات و شعارهای غلط مخالف اخلاق اسلامی، به آبروی شما و ملت شما و اسلام و مذهب لطمه وارد کنند.»^{۴۳}

آری! اعلام برائت با چنین کیفیتی تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکّل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌هاست و چنین راهپیمایی و اعلام برائتی است که به ضرر ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی است و بدیهی است اگر برائتی با چنین کیفیتی برپا نشود، هیچ ضرری برای ابرقدرت‌ها نخواهد داشت.

نقش برائت از مشرکین در جهان اسلام

۱- نفی قدرتهای استکباری

نقش برائت از مشرکین در جهان اسلام، در صورت فراگیر شدن آن، نفی قدرت‌های استکباری و سلطه‌جویی آنهاست. منشأ همه مصائبی که جهان اسلام امروز گرفتار آن است، سلطه‌طلبی قدرت‌های استکباری و در رأس آنها آمریکای تبهکار است.

برای خاتمه دادن به سلطه‌طلبی مستکبران، تنها راه، وحدت صفوف مسلمانان است، وحدت هم‌باشعار حاصل نمی‌شود، تا ریشه‌های شرک از جوامع اسلامی زدوده نشود، تا بت نفس اماره که ریشه همه فسادها و جدایی‌هاست شکسته نگردد و بالأخره تا برائت از مشرکین به مفهوم مطلق و کامل آن در جوامع اسلامی تحقق نیابد، وحدت حاصل نمی‌شود و مشکلات جهان اسلام حل نمی‌گردد.^{۴۴}

۲- به هم پیوستن مسلمانان

امام راحل با فراخواندن عموم زائران و مسلمانان به اعلام برائت از مشرکان، در واقع، به آنان درس اتحاد و همبستگی می‌دهد و آنان را از تفرقه و اختلاف برحذر

می‌دارد و خطرات این تفرقه را متذکر می‌شود که به سود مسلمانان نیست و از مسلمانان می‌خواهد آنجا که پای مصالح عالی اسلام و مسلمین در میان است، اختلافات را کنار نهاده و به اتحاد و همبستگی با یکدیگر بیاورند تا با این اتحاد خود بتوانند کاخ‌های ستم را از میان بردارند.

«لازم است حجاج بیت‌الله الحرام، در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی، فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هرچه رساتر برآورند و دست برادری را هرچه بیشتر بفشارند و مصالح عالیة اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هرچه بیشتر متوجه به «توحید کلمه و ترک عصبیت‌های جاهلی» که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به واثق شامل حالشان می‌شود.»^{۴۵}

«... و اگر ان شاءالله عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده‌اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد،

ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخ‌های ستم فرو خواهد ریخت.»^{۴۶}
 «همه شما زائران بیت‌الله الحرام، از این قدرت‌های تهی از ایمان نهراسید و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرق و تنازع بپرهیزید «... وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...» رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته‌بندی‌های موافق با هواهای نفسانی و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید، که سرچشمه امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد.»^{۴۷}

امام در این گفتار خود ریشه ضعف امت‌های مسلمان را تفرقه و اختلاف می‌داند و رمز پیروزی آنان را اتحاد و وحدت کلمه. از سوی دیگر قدرت‌های استکباری را قدرت‌های شیطانی و چپاولگر معرفی نموده و از مسلمانان می‌خواهند تا «از مرکز بت‌شکنی برای شکستن بت‌های بزرگ که به صورت قدرت‌های شیطانی و چپاولگران آدمخوار درآمده‌اند»^{۴۸} مجهز شوند و با اتکال به خدا از آنان نهراسند که اینان قدرت‌های تهی از

ایمانند.

برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد.»

ریشه‌های اختلافات از نظر امام

«یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می‌باشند که مع‌الأسف برای رفع آن تاکنون اقدام چشمگیری نشده است، بلکه جنایتکاران سودجو که از اختلافات ملت‌ها و دولت‌ها به سود خودشان بهره‌برداری می‌کنند، با دست‌عمل از خدا بی‌خبر خود به اختلافات دامن می‌زنند و هرگاه شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می‌شود، با تمام نیرو برمی‌خیزند و بذر خلاف می‌افشانند.»^{۴۹}

مصدق و مؤید این گفتار «فلسطین و فلسطینیان» می‌باشند. «آری فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین را فروریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی‌اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریه فلسطین از شجره مبارکه لا شرقیه و لا غربیه ما برافروخت.»^{۵۰}

۴- آزادی انرژی متراکم جهان اسلام

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت.»^{۵۱}

۳- آگاهی و بیداری ساده‌دلان

«در پناه برائت از مشرکین است که ساده‌دلان هم می‌فهمند که نباید سر بر آستان قدرت‌های استکباری نهاد و در برابرشان خاضع بود و در پناه همین



- ۲- کهف: ۴۶
- ۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۸-۲۲۷
- ۴- حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۵
- ۵- توبه: ۳
- حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۶.
- ۶- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹
- ۷- همان، ص ۲۲۷-۲۲۸
- ۸- یونس: ۳۲؛ حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۶
- ۹- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹
- ۱۰- حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۷
- ۱۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹
- ۱۲- حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۶
- ۱۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۶-۶۷
- ۱۴- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸
- ۱۵- حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۶
- ۱۶- نساء: ۴۸ و ۱۱۶؛ انعام: ۷۹ و ۱۰۶؛ یونس: ۱۰۵؛ حجر: ۹۴؛ قصص: ۸۷؛ روم: ۳۱؛ فصلت: ۶۰؛ توبه: ۵ و ۳۶؛ بینه: ۶؛ احزاب: ۷۳؛ فتح: ۶.
- ۱۷- انعام: ۱۹ و ۷۸؛ توبه: ۳ و ۱۱۴؛ هود: ۳۵ و ۵۴؛ یونس: ۴۱؛ شعراء: ۲۷۶؛ زخرف: ۲۶؛ (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۵).
- ۱۸- توبه: ۳، راغب اصفهانی؛ المفردات.
- ۱۹- عباسعلی عمید زنجانی، در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۰۴
- ۲۰- دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۲۱- محمدتقی رهبر؛ حج و برائت از مشرکان، میقات حج، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۳۳
- ۲۲- عباسعلی عمید زنجانی؛ در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۰۶. اقتباس از پیام امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۲
- ۲۳- ممتحنه: ۴
- ۲۴- دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۲۵- همان.
- ۲۶- محمدتقی رهبر؛ حج و برائت از مشرکان، فصلنامه «میقات حج»، ص ۳۶
- ۲۷- نساء: ۱۴۱

- ۲۸- عباسعلی عمید زنجانی؛ در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۰۷
- ۲۹- دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۳۰- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱
- ۳۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱
- ۳۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۱
- ۳۳- آیه الله جوادی آملی، صهبای صفا، ص ۲۱۳
- ۳۴- سید جواد ورعی: مبانی دینی برائت از مشرکان (۱)، مجله میقات حج، شماره ۲۵، صص ۳۸-۳۰
- ۳۵- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱
- ۳۶- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۲
- ۳۷- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۲
- ۳۸- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱
- ۳۹- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱
- ۴۰- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۰۱
- ۴۱- عباسعلی عمید زنجانی؛ در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۱۰
- ۴۲- صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۹۹-۱۹۸
- ۴۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳ و ج ۱۹، ص ۲۰۱
- ۴۴- محمد محمدی ری شهری؛ فلسفه برائت از مشرکان، میقات حج، سال دوم، شماره چهارم، ص ۴۳-۴۲
این مورد از نظر امام علیه السلام که پیشتر در تعریف ارائه گردید، بحث شد.
- ۴۵- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱
- ۴۶- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۹
- ۴۷- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۱
- ۴۸- همان.
- ۴۹- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۴-۱۲۳
- ۵۰- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۴
- ۵۱- همان، ص ۲۳۱